

دشمن میخواهد رهبر را تضعیف و امریکارا خندان کند

تلاش
حزب
جمهوری
خلق
مسلمان
برای
آشوب
در تبریز

*دیوارهای تبریز را شعارهای
ضد آمریکائی پر کرده است

کروه زیادی از مردم تبریز
عصر دیروز، در اجتماعیکه
در دانشگاه این شهر برگزار شد،
ضمن تأیید رهبری امام خمینی،
توطئه های امریالیسم آمریکا و
وابستگی داخلی آنرا محکوم
کردند.
در این مراسم چند سخنران
دemonstrated توطئه های امریالیسم
آمریکا در تبریز سخنانی ایراد
کردند و عمل حزب خلق مسلمان
را در جهت خواستهای امریالیسم
آمریکا خواندند.

با تحقق خواستهای
خلق آذربایجان
راه ضد انقلاب
سد خواهد شد

راه انقلاب، امام خمینی، در
سخنان خود خطاب به شورای رادیو
تبریز میفرمودند که:
«باید این مطلب را برادرهای
آذربایجانی، برادرهای کردستانی
ما، برادران بلوچستانی، سیستانی
بختیاری، در هر جا که هستند
بدانند که این مملکت که سال
خودتان است، خودتان باید اداره اش
کنید.»
بقیه در صفحه ۶



دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۱۶
۵ شنبه ۲۷ آذر ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

سرکردگان حزب
جمهوری خلق مسلمان
میگویند در نقاط مختلف
شهر با ایجاد آشوب های
موضعی آرامش را بهم میزنند.
بقیه در صفحه ۲

مستر کندی کور خوانده است...

واقعه پیام مستر کندی به امام از وقایع بسیار
جالب و ارزشگردهای بسیار حایه گرانه امپریالیسم
خونخوار امریکاست و بهمین دلیل باید بکلی افشاء
گردد، تا از پشت پوستین گوسفندی، چهره آدمخوار
گروگ هویدا شود.

اینکه مستر کندی، کاندیدای ریاست جمهوری از حزب دمکرات
است، اینکه حزب دمکرات با حزب جمهوریخواه امریکاییست و در
یک سکه اند و در نتیجه با تحویل و تحول کاخ سفید بیکدیگر، تغییر
در ماهیت امریالیسم آمریکا حاصل نشود، نشود و نخواهد شد
(نظیر آیینها، کندها، جشنها، فودها، نیکونها، کالترها
و غیره) اینکه امریالیسم آمریکا بوسیله کارکنان انحصارات
امریالیستی سیاست تجاری، استعماری و فارتکرانه خود را اعمال
کرده و میکند و تا جایی که بتواند خواهد کرد، اینکه ایران برای
امریالیسم آمریکا لطمه جری بوده است که با انقلاب ایران از دست
رفته و امریالیسم برای بازپس گرفتن آن بهر وسیله ای متشبث شده
و میشود و خواهد شد، و اقیامی است عیان - و چندان عیان که حالا
دیگر هر نوع آموزشی بدانها واقف است و لذا نیاز به تشریح آنها
نیست.

از دیدگاه این واقعات، پیام کندی که از کاندیدایی ریاست
جمهوری، از کارکنان انحصارات امریالیستی، تاکیان دست دردمند
بقیه در صفحه ۲



هنر جوانان هنرستان صنعتی تفرش در برابر جاسوستانه امریکا

دیروز لانه جاسوسی آمریکا
بار دیگر شاهد هیبتی گروه های
مختلف مردم با دانشجویان مسلمان
پیرو خط امام بود.
عده کثیری از جوانان و
زحمتکشان تفرش، که ملی دوروز
دها فرسنگ را پیاده طی کرده
بودند، قبل از ظهر دیروز بجلوی
لانه جاسوسی آمریکا رسیدند. آنها
باشمارهای
آمریکا آمریکا امریکه
نیرنگ تو
خون شهیدان ما میچکداز
چنگ تو

نفت خود را از امریکا اعلام
نمودند.
جوانان و زحمتکشان تفرش
با چهره های سوخته، ولسی مصمم
خود بار دیگر نمونه ای از پیوند
خلق مبارز ما با خط امام را نشان
دادند.
در روی پلاکارد جوانان
تفرش این شعار به چشم میخورد:
«هنر جوانان هنرستان صنعتی
تفرش پشتیبانی خود را از امام
خمینی، رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی
و دانشجویان پیرو خط امام تا آخرین
قطره خون خود اعلام میکنند.»
جلوی جاسوستانه، یکی از

تدارکات جنگی آمریکا در خلیج فارس
علاوه بر تهدید ایران، هدف تأمین و تثبیت
سلطه نظامی آمریکا
در سراسر این منطقه را نیز دارد

دروغ به کارگران
گمروك جانها!
نمونه درخشان
هشیاری
طبقه کارگر
در صفحات بعد

راه رشد اقتصادی کشور ما
از کدامین سو است؟

بازجوی ساواک در دادگاه:
حزب زحمتکشان را
ساواک تشکیل داد

ملاک عینی برای شناخت دوستان
و دشمنان انقلاب ایران چیست؟

چه دست هایی در حل مسأله آمیز
مسئله کردستان اخلال میکنند؟

«شورای کشاورزی تهران» یکی از
لانه های ضد انقلاب

جنگ تبلیغاتی «دمکراسی غربی»
علیه انقلاب ما

اوپك
از هر وقت دیگری
نیر و مندتر است
و میتواند به اتخاذ تصمیمات
قاطع علیه سلطه امپریالیسم
در نفت مبادرت ورزد

۲۶ آذرماه ۱۳۵۸، برابر ۱۷ اکتبر ۱۹۷۹، اجلاس
کشورهای صادرکننده نفت «اوپك» در کارداس، پایتخت نروژ،
کاهش می یابد. «اوپك» اکنون دارای ۱۳ عضو است که به ترتیب
عبارتند از: ایران، عراق، عربستان سعودی، کویت، قطر، امارات
متحده عربی (در حوزه خلیج فارس)، لیبی، الجزایر، نوجیه و گابن
(در آفریقا)، اندونزی (در خاور دور) و نروژ و اسکوادور (در
امریکای لاتین). تولید روزانه نفت در این کشورها به ۳۲ میلیون بشکه
بال میگردد. ۷۰ درصد ذخایر و ۶۰ درصد تولید نفت و گاز در جهان
سرمایه داری متعلق به اعضاء اوپك است. سهم این کشورها در صادرات
جهانی نفت به ۸۰ درصد بالغ میگردد.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق با دوازده نظامی محمده شود

اخبار دهقانی

دهقانان روستای «گل خندان» زمین میخواستند

روستای «گل خندان» از بخش لوسانات بزرگ تقریباً در ۳۵ کیلومتری شمال شرقی تهران واقع است. بیش از ۴۰۰ نفر در این محل زندگی میکنند که ماسه آنها از راه کشاورزی و دامداری میگردد. محصول عمده گندم و میوه است، که چون ناچیز و غیر کافی است، نمی تواند جوابگوی احتیاج روستائیان باشد. به همین جهت است که بیشتر جوانان ده را ترک کرده، برای پیدا کردن کار به کارخانه ها و کارگاههای اطراف رو آورده اند.

این روستا به دو قسمت، در دو طرف یک دره، تقسیم شده است، که به نام «گل خندان جدید» و «گل خندان قدیم» نامیده می شود. اهالی از آب و برق محرومند. آب مصرفی ده از یک چشمه کم آب تأمین می شود. هر چند در این روستا «خانه بهداشت» وجود دارد و ساختمان دبستانی در حال اتمام است، ولی روستائیان به دلیل کمبود زمین زراعی نمی توانند در ده تاب آورند.

در مجاورت اراضی روستا نشتیان مالکی به نام «گنجی» پدر منوچهر گنجی وزیر آموزش و پرورش رژیم سابق، چند صد هکتار از مرغوبترین زمینهای زراعی و مرغوب تر از صاحب کرده، در زمین حال خود و خانواده اش بر روی املاک حاصلخیز قریه مجاور به نام «کرده نورد» و اراضی زراعی اطراف آن چنگ انداخته اند. دهقانان میگویند، همین شخص در تهران نیز حدود ۱۱ تا ۱۰ دستگاه مجوز ساختمان را نیز مالک است.

خواست دهقانان بی زمین و کم زمین «گل خندان» و روستاهای مجاور این است که، اولاً مقامات دولتی و مسئول برای تأمین آب برق هر چه زودتر اقدام کنند و در این مورد به اعتباراتی بی تفاوتی که تاکنون نشان داده اند، خاتمه دهند. ثانیاً اراضی قابل کشت مالکان غاصب این حدود را برای کشت و کار به دهقانان و جوانان روستا، که از هر جهت آماده فداکاری هستند، واگذار کنند.

دهقانان «ترشینه» قسمتی از زمینهای غصبی مالک را کشت کردند و حالا وسایل کشت و کار و امکانات رفاهی می خواهند

بین جاده ساره و روستاهای گلده و واحد آباد مستوفی، روستائی است به نام «ترشینه» که ۱۵ سال پیش دارای کشاورزی خوب و باغهای میوه بوده، که مقدار قابل توجهی از محصولات آن به تهران صادر میشده است.

مالک ترشینه حسین خان شقایب - آقادرده دهقانان ستم گردتا آنجا که بیشتر اهالی ده کوچ کردند و فقط چند خانوار باقی ماند. عملاً ۸۰ درصد زمینهای زراعی بایر و بیرون کرده بود، به دهقانان کشت از بین رفت و همه جا گردمزم و فقر فرا گرفت.

یک دلیل دیگر مهاجرت روستائیان این بود که، مالک غاصب اجازه نمیداد در ده امکانات رفاهی از قبیل برق، آب اوله کشی، مدرسه، مسجد و مانند آن ایجاد گردد و در این راه کارکن میگرد. انقلاب بزرگ مردم ایران به رهبری امام خمینی راه را برای احیای کشت و کار باز کرد. چند کشاورز قدیمی، که مالک به بهانه های گوناگون آنها را از ده بیرون کرده بود، به ده بازگشتند و از حسین خان مالک تقاضای زمین برای کشاورزی کردند. مالک، همچنان که در رژیم سابق بود، جوابی نداد. وقت کشت میگشت. تقاضای برخی دهقانان تکرار میشد و باز هم بسا مخالفت مالک سرسخت مواجه میشد.

کشاورزان اجرای فرمان امام را وظیفه شرعی و ملی خود میدانستند. این بود که بدون معطلی و فوت وقت قسمتهای قابل ملاحظه ای از زمینها را شخم زدند و گندم کاشتند، و اینک برای به ثمر رسانیدن محصولات خود تاپای جان ایستاده اند.

ولی نیروی انسانی کافی در اختیار نیست. جوانان و سایر اهالی اکثر آکوچ کرده و رفته اند. زیرا وسیله زندگی و امکانات رفاهی در ده ما نیست. دهقانان با ابتکار خود ساختمان آبرایی را به محل مدرسه بچه ها اختصاص دادند. ضمن اینکه بچه ها درس می خوانند، قسمتهایی از ساختمان هم بدست دهقانان مرمت و تعمیر میشود. این اقدامات برای مالک زورگو و غاصب قابل تحمل نیست و به انواع مختلف کارکنی میکند. او که طسی سالیان دراز حاصل کار و زحمت دهقانان را برده و نابار کرده و قانوناً باید برای دهقانان امکانات رفاهی از قبیل آب و برق و مدرسه و مسجد می ساخت. خود بزرگترین مخالف عمران و آبادی ده است.

دهقانان «ترشینه» از شورای انقلاب، از جهاد سازندگی، از همه مسئولان دولتی میخواستند به وضع آنها رسیدگی کنند.

- ۱- وسایل کشت و کار و اعتبارات مالی در اختیارشان بگذارند.
- ۲- دو هزار متر مربع زمین برای دهستان ۲۰۰ متر برای کتابخانه از مالک بگیرند و در اختیار دهقانان گذارند.
- ۳- زمین کافی برای مسجد و بارک و حمام از اراضی غصبی مالک به دهقانان بدهند.
- ۴- هر چه زودتر نسبت به تأمین برق و آب لوله کشی اقدام کنند، زیرا همین امکانات رفاهی است که دهقانان آواره را به به کشت و کار باز میگرداند.
- ۵- از ظلم و اجحاف و تندی و خودسری مالک غاصب جلوگیری کنند.

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ فرست اینکار را ندارند، میتوانند آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ مراجعه کنند.

گروهی بنام «هیئت مدیره شورای کشاورزی تهران»، که معلوم نیست پدرش در کجا افتاده و کی و چگونه همچو غلف هوزی بسز شده، ولی معلوم است که مرکب از عده ای متنفذین سابق، زمینداران کلان، سرمایه داران آنچنانی و رنگت عوض کرده است، به جنب و جوش افتاده اند. اینها که از خشم انقلابی مردم و از هشیاری حق طلبانه دهقانان ستمکشیده بسی خبرند، گمان کرده اند که بساقوسل به حملات فریبنده میتوانند عرض اندام کنند و سر و صدا راه بیاندازند. آنها از موضعی آشکار ضد انقلابی به امام خمینی، رهبر انقلاب، نامه نوشته و رونوشت آنرا هم برای «اطلاعات» (۵۸/۹/۱۹ صفحه ۱۲) فرستاده اند.

در این نامه، در واقع، اربابان نظریات خود را با خشم آمیخته به نندیه، با حیل و آمیخته به تهدید، در برابر دهقانان و در برابر مسوولان کشت و کار تازه شورای انقلاب بیان میکنند.

مواضع ضد انقلابی زمینداران غارتگر و غاصبان بی دین و ایمان، بی مروت و انصاف، که محکوم بنظر هستند، در زیر جملات و کلماتی نظیر «حفظ بقا استقلال ملی و قومی ما» و «حکومت غاصبان منحوس سلسله پهلوی طاغوت فرساری» بیان شده است. آنها میکوشند سیماي خود را بپوشانند، و گسره برای آنها استقلال ملی و قومی چیزی جز ادامه سیطره بر زمینهای وسیع و امکان غارت مداوم میلیونها دهقان نیست. آنها آرزویی بالاتر از این امیدواری و بویچ ندارند که فراری، باز گردد و خودشان، که از ازارگان و پاپه های آن «حکومت منحوس» بوده اند، بهمان زندگی طفیلی و گریه خور ادامه دهند. ولی البته حالا زمان دیگری است و آنها هم زبان دیگری برگزیده اند. غافل از آنکه، هیچکس در این زمانه انقلابی فریبگر بهای یک شهابه باد شده و غاصبین چپاولگر یک شبه مسلمان شده و نینخورد.

وزیر سابق کشاورزی، این روزی مالک، در دولت موقت گذشته، با همین جملات و عبارات وزیر همین پوششها، بارش و تسبیح گوید که در ماههای بعد از انقلاب، دلایحه نحوه واگذاری و احیای اراضی، و دهقانان و ولایحه دیگر را، که مخالف منافع حیاتی مستضعفین

شورای کشاورزی تهران یکی از لانه های ضد انقلاب

فئودالیسم باید در روستاها و کشاورزی ایران ریشه کن شود

دهات، مغایر با اهداف انقلاب بزرگ ما و در تضاد با روح دین و مذهبهای امام خمینی، رهبر انقلاب، در جهت کمک و توجیه به بخشی از مظلومترین و ستمکشترین اقشار جامعه ما - دهقانان بی زمین و کم زمین - بود. به کرسی پشیمان این توطئه خویشخانه کارسازانند. در مرحله تازه رشد انقلاب، در تیرد ریشه ای و همه جانبه علیه دظلم اصلی - امپریالیسم آمریکایک - میبایست اساس عوامل و کارگران داخلی آن، یعنی سرمایه داران وابسته و زمینداران بزرگ نیز خنثی شود و منجمله مسئله تعیین تکلیف زمین بسود دهقانان حل گردد. زیرا این جزء مهمی از تقویت جبهه انقلاب و تحکیم صفوف انقلابیون و وسیله موثری برای ضربه زدن به نیروهای ضد انقلاب است. بی توجه نیست که این مسائل بطور جدی مطرح شده است.

شورای انقلاب در دو زمین اعلامیه خود پس از آغاز مرحله نوین انقلاب، ضرورت نابود کردن فئودالیسم و دادن زمین به دهقانان را اعلام کرد. این اعلامیه مثنی اساسی و درست را در این مسئله بوضوح و بی چون و چرا بیان میدارد. نمایندگان مالکان بزرگ که در لانه خطی ناک و مشکوک بنام «شورای کشاورزی تهران» گرد آمده اند بناتفاقی متافسح غارتگرانه طبقاتی خود، سرماش با انشای سیاست ضد دهقانی و ضد انقلابی آقای ایزدی وزیر دولت سابق و قدرت تامل موضوعی دست شورای انقلاب و اظهارات آقای آیت الله باهر و آقای دکتر اسفغانی معاون وزارت

کشاورزی را ندارند و طبیعتاً نمیتوانند با تعمیق انقلاب و اینکه ماهم اکنون با انقلابی بزرگتر از انقلاب اول روبه رو هستیم، خوبگیرند.

منافع آنها باسلطه امپریالیسم و زمینداری بزرگ غصبی میخوانند. اما انقلاب ما علیه امپریالیسم و زوائد آن منجمله فئودالهای غارتگر و ضد انقلابی متوجه است.

آنها در نامه خود، که با تمام حجت میماند، اظهارات معاون جدید وزارت کشاورزی را ذاتی باین اصل بدینی و انسانی و اسلامی، که زمینهای مالکان بزرگ باید به زمین دهقانان تقسیم شود، دستاویز قرارداد و چنانکه گویی یاری ده آنها گذاشته شده، مازست سراز لانه بیرون آورده و نیش دستان نشان میدهند. این گستاخان به خشم آمده، در نهایت ضعف و زبونی مساند هر محکومی که تاریخ حکمروائی را صادر کرده است، شاخ و شاخه می کشند. آنها مانند مورچه ای که آب اورا می برد و می انگارد جهان را آب می برد، می نویسند، دهات و مزارع ایران به ورطه هسرت و هسرت کشیده میشود. چرا! چون گفته شده زمینهای غاصبین بزرگ باید به زمین دهقانان تقسیم شود.

آنها حتی کار را بیچائی میسرانند که تلویحاً امام را تهدید میکنند و میگویند که «آشوب و برادر کشی» خواهند شد و کشاورزی بهوشی مراتب بدتر از گذشته کشانده خواهند شد.

آنها با زبان بی زبانی، ولی آشکارا می گویند که در دفاع از زمینهای بزرگ غصبی و مالکیت های نامشروع و ضد دهقانی و ضد انسانی خود، حتی به سر ادر کشی و خونریزی می دست خواهند زد، همه میمانند که در برخی نقاط به این برادر کشی و خونریزی می دست زده اند. باین امید که کانونهای تشنج ضد انقلابی بوجود آورند باید صراحتاً گفت که این افراد علیه خط امام خمینی، که حمایت از مستضعفان روستاها از اجزاء مشکله آنست، و علیه برنامه رسمی شورای انقلاب، که نابودی فئودالیسم و دادن زمین به دهقانان است، قد علم کرده اند. این اقدام عملی است ضد انقلابی، هر چند زیر بارادت فریبنده پنهان شود و بشکل نامه به امام در آید و تذب و تحریک و تهدید را یک جا در بر داشته باشد.

مخالفتان خط خلقی و ضد امپریالیستی امام را در هر لانه و در هر لاس باید شناسائی کرد. برای تعمیق انقلاب در جهت خلقی، که دفاع از ستمکشترین اقشار دهقانی جز لاینجزای آن است، و در جهت ضد امپریالیستی که فریادش قلاع فئودالی و زمینداری بزرگ بخت جدائی ناپذیر آنست، با تمام قوا بکوشیم و لانه های ضد انقلاب را هشارانه افشاکیم.

رویدادهای جهان

انجمن حقوق دانان کشورهای عربی تهدیدات نظامی آمریکا علیه ایران را محکوم میکنند

انجمن حقوق دانان کشورهای عربی از دول کشورهای خود و نیروهای سلطنتی جهانی دعوت کردند که از مبارزات به حق مردم ایران حمایت کنند. در بیانیه ای که از جانب این انجمن در دمشق انتشار یافته، گفته میشود که علت پیدایش بحران کنونی در روابط ایران و آمریکا است که واشنگتن تلاش میکند تسلط خود را بر منابع نفت کشورهای این منطقه حفظ کند. در بیانیه ضمن محکوم نمودن تدارکات نظامی آمریکا علیه ایران، خاطر نشان شده است که فالیتهای نظامی آمریکا، استقلال و امنیت همه کشورهای این منطقه را با خطری جدی مواجه کرده است.

توطئه های آمریکا و چین علیه کامبوجیا

جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که امپریالیسم آمریکا در دستماتوئیست چین برای خرابکاری در کشورهای هندوچین به یک توطئه چهارمرحله ای امید بسته اند و سیهانوک دمرگز این توطئه فرادادند. رادو بانوی ضمن فاش کردن این توطئه اعلام کرده که یک روزنامه معروف ژاپن، در اوت گذشته، تلویحاً جزئیات توطئه را فاش کرده بود.

در اولین مرحله توطئه پیش بینی شده است که از مشکلات غذایی مردم کامبوجیا برای مداخله در امور داخلی این کشور استفاده شود. آنکام با استفاده از این مداخله، با سلاطین آتش بس در کامبوجیا برقرار میشود و سپس در مرحله سوم سیهانوک، که به روسکی ددست امپریالیسم آمریکا و چین تبدیل شده است، به کامبوجیا باز گردانده شود و در مرحله نهائی، یک رژیم سرسپرده در کامبوجیا درو کار آید. رادو بانوی گفت که اما اوضاع در کامبوجیا بر گشت ناپذیر است و خلق کامبوجیا راه خود را انتخاب کرده است و توطئه گران تنها در رویا اجرای توطئه خائفانه خود را بچشم می بینند.

تظاهرات مردم در کشورهای عضو ناتو علیه استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی

روزنامه پر اودا شن بحث درباره دیدارهای نخست وزیران هلند و نروژ و همچنین دیدار وزیر خارجه دانمارک از واشنگتن نوشت که این رهبران دروازشکن در ساره از ره استقرار موشکهای تازه آمریکائی در کشورهای خود ابراز تردید کردند. به نوشته «پر اودا»، اما واشنگتن نمیخواهد به عقاید شرکائی کوچکتر خود در پیمان نظامی ناتو توجه کند و از سوی دیگر تظاهرات مردم اروپای غربی علیه طرحهای ناتو ادامه دادند. در آتن هزاران دانشجو در مخالفت با استقرار موشکهای تازه آمریکائی در اروپا، که اوضاع این قاره را متشنج تر میکنند، دست به تظاهرات زده و خواستار خروج یونان از پیمان ناتو شدند. در این میان سردبیر روزنامه «اونزرتایت»، چاپ آلمان فدرال، در مقاله ای تأکید کرد که اگر نظام دیکراسی سیاسی واقعی در این کشور وجود داشت، نظامی که در آن عقیده اکثریت مورد توجه قرار گیرد، تردیدی نبود که پیشنهادی صلح اتحاد شوروی پذیرفته میشد.

یاسه اسرائیلی که از خدمت در نیروهای اشغالگر خودداری کرده، زندانی شده است

محافل ترقیبخواه اسرائیل به حمایت از یک تبعه این کشور که با خطر امتناع از خدمت در نیروهای مسلح اسرائیل در زمینهای اشغالی به زندان افتاده است، مبارزه وسیعی را آغاز کرده اند. حزب کمونیست اسرائیل و بسیاری از گروههای اجتماعی ترقیبخواه، خواهان آزادی وی شده اند. گروهی از جوانان اسرائیلی در بیانیه ای اعلام کردند که زندانی شدن این شخص، که دامیر نام دارد، تلاشی است تازی به ایجاد در اجرای سیاست سرکوب و ترور علیه اعراب شرکت کند و بدین ترتیب کسانی که بر طبق وجدان بیدار خود عمل میکنند، مرعوب شوند.

محافل اجتماعی اروپا استقرار موشکهای هسته ای در کشورهای اروپای غربی را محکوم میکنند

بنابه ابتکار جمعیت فلاندی هواداران صلح، در اواخر ماه نوامبر، در هلستینکی، کنفرانس محافل اجتماعی کشورهای اروپائی که عضو پیمان نظامی ناتو هستند، تشکیل یافت. شرکت کنندگان در این کنفرانس، بر نامه پیمان نظامی تجاوزکار ناتو را برای استقرار موشکهای هسته ای در خاک کشورهای اروپای غربی محکوم کردند و اعلام نمودند که برنامه استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی با تصمیمات کنفرانس عمومی اروپا، که در هلستینکی در سال ۱۹۷۵ بر گزار گردید، مغایرت دارد.

مخالفت پارلمان فنلاند با برنامه ناتو در مورد استقرار موشکهای اتمی در اروپای غربی

نمایندگان پارلمان فنلاند مخالفت خود را با نقشه های ناتو جهت استقرار موشکهای هسته ای در کشورهای اروپای باختری اعلام کردند. در ۱۳۶ تن از نمایندگان ملی بیانیه ای خطاب به همه کشورهای شرکت کننده در کنفرانس سال ۱۹۷۵ هلستینکی، از دول این کشورها دعوت کرده اند که از هیچ اقدامی جهت جلوگیری از تحقق نقشه های ناتو، که منجر به تشدید مسابقه تسلیحاتی خواهد شد، فروگذار نکنند.

توصیه به رفقای حزبی، هواداران و دوستان در مورد اخباری که برای «مردم» می فرستند

بسیاری از رفقای حزبی و هواداران و دوستان حزب، در زمینه های گوناگون برای «مردم» خبر می فرستند، که موجب تشکر فراوان است.

«مردم» بر اساس اطمنان و اعتمادی که به رفقا و هواداران و دوستان دارد، از این خبرها استفاده میکند و برای اطمنان به صحت اخبار، جز تکیه به اینکه فرستندگان اخبار و گزارشها مسئولیت خطیر خود را در این زمینه بپذیرند، امکان دیگری ندارد. ولی متأسفانه تا کنون در چندین مورد معلوم شده که اخبار دریافتی دقیق نبوده است. از آنجا که «مردم» روزنامه ای است مسئول در میان مردم صاحب نفوذ و اعتبار است، و از آنجا که در شرایط بسیار حساس کنونی اخبار نادقیق ممکن است موجب سوء تفاهم شود و نتایج ناگواری ببار آورد و نیز به نفوذ اعتبار حزب لطمه بزند، از همه رفقای حزبی و هواداران و دوستان خواهشمندیم که در کسب و تهیه خبر نهایت دقت را مبذول دارند.

با سپاس
مردم

توجه!

روزنامه «مردم» در گران مرکز حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران است.

«مردم» خود را موظف میدانند که اخبار مربوط به زندگی و کار مبارزات کارگران و همه زحمتکشان را در شهر و روستا، در صفحات خود منتشر سازد و از منافع این زحمتکشان و محرومان با همه این روشها استفاده کند. برای آنکه این وظیفه با شایستگی انجام پذیرد، «مردم» همه جا خبرنگاران، هواداران و علاقمندانی دارد که از جمله رسته های پیوند مساباطقه کارگری همه زحمتکشان هستند و اخبار کسب شده را برای ما میفرستند. نکته ای که در این رابطه برای خوانندگان قابل ذکر است، آنستکه:

۱- ارسال خبر برای «مردم» بمعنای تلقی و پیوند سازمانی فرستنده خبر با حزب توده ایران نیست.

۲- درج خبر درباره این یا آن محیط کارگری، از آنجا باین معنایست که خبر نگاران، حتماً شاغل در آن کارخانه یا موسسه باشند و یا سندیکا، یا شورای مربوطه، خبر را برای ما ارسال داشته باشد.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان! حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه ها، بیانیه ها و...) منتشر در «مردم» در گران مرکز حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، به وسیله ترین شکل تکثیر کنید و به توده های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه مبهم انقلابی است.

جنگ تبلیغاتی «دمکراسی غربی» علیه انقلاب ما

وسائل ارتباط جمعی در غروب، سوار بر مرکب دروغ و تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می تازد. افکار عمومی این کشورها، تصویری کج و معوج از انقلاب ما بر صفحه تلویزیون می بینند، مطالبی سراسر پاکدب و جعل در صفحات روزنامه ها می خوانند و اخباری تحریف شده از رادیو ها و خبرگزاری های خود می شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پائین سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

حقیقت رویدادها و حوادث انقلابی کشور ما، در وسائل ارتباط جمعی غرب بازنتاب ندارد. آنچه بازنتاب داد تصویر متکسر آنست که بجای آنکه همدردی و همبستگی و محبت جلب کند، ترس و وحشت پدید می آورد. بجای آنکه افکار عمومی این کشورها را بحقیقت انقلاب ما آگاه سازد، بذر تحمق و فریب و نفرت در اندیشه ها می افشاند.

تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه های امام خمینی متکسر است. اما وسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده آنست. تصویر روشن انقلاب ما در توده ها و نوشته ها و تظاهرات و اقدامات توده های مردم منکسر است، که به انقلاب پاروری بی چشمه دادند. اما وسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده ها بی اعتناست. با آنها کاری ندارد و سوسه خیزان در جستجوی یک ضد انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما انداخته او بیرون کند، زیر عدسی ذمه بین بگذارد. آنرا بزرگ و بزرگتر کند، از کلمات تلویزیونی بد گوید و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و در پی تور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقعیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار هر خاک می مایند، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک اباطیل و او تاپت کند که مثلا خواست استرداد شاه بهمار، برخلاف روح اسلام است، که باید بدین بردباری و عطف و پناهندگی کاری که مجله «اشپیکل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

وسائل ارتباط جمعی غرب هنگامی که مترسک دست نشاند، محمدرضای خائنی ثروت مردمی قتیرو حرمان کشیده راهی انحصارات چپاولگر اروپا و آمریکا

در این لحظات تحریف و جعل و روزنامه ها و مجلات متعلق به احزاب کمونیست کشورهای غربی هستند که شراره های حقیقت می افشاند و از انقلاب ایران و مبارزات جانانه مردم ما در حد توانا تپهای خود پشتیبانی میکنند. در اینجا ست که بار دیگر دوستان و دشمنان انقلاب ایران شناخته میشوند.

اما در مورد بر خود رسانه های گروهی غرب به انقلاب ایران باید پرسید چرا چنین است؟ راستی چرا چنین است؟

ریشه را باید در خلعت «دمکراسی غربی» جست که خود دروغ بزرگی است. «دمکراسی غربی» بر شدیدترین اشکال سانور، که بهانه داشتن حقایق از مردم و نشر دروغ و اکاذیب است، نام «آزادی مطبوعات» نهاده است. واقعیت آنستکه سرمایه داری جز تحصیل حداکثر سود، بدین ایمانی ندارد و در این راه همه نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی را بخندمت گرفته است. آن «آزادی» که در غرب بدان مینازند، آزادی غارت و بیفکری است. مطبوعات غرب، خبرگزاریها و رادیو تلویزیونها در انحصار گروهای انصارگر، در خدمت انصارات نفت و اسلحه، در انحصار کارتلها و ترانست هاست. انصارات هستند که در آمریکا، اروپای غربی و ژاپن بخش عمده مطبوعات و پخش رادیو - تلویزیونی را با پول میخرند. در آمریکا ۸۰ درصد پخش رادیویی و ۸۵ درصد مطبوعات را در اختیار دارند و پیام «اتحادیه ملی صاحبان صنایع» آنها را کنترل میکنند آزادی مطبوعات در «دمکراسی غربی»، یعنی آزادی دفاع از منافع انصارات. انصارات هستند که با خرید وسائل ارتباط جمعی جو دلخواه خود را بوجود می آورند، سنا تور و نماینده از صندوق بیرون میکنند و لابی و قوانین و مقررات را بسود خود به تصویب میرسانند ارگانه های اجرائی خلق میکنند و در جهت حفظ منافع خود بکار و امیدارند، مثنی گفتمان را کفلسر، یعنی کیسینجر را وزیر امور خارجه میکنند صاحب مزرعه بادام زمین، یعنی کاتر را بر مسند رئیس جمهوری مینشانند. در حیطه اقتصاد انصارات، اگر روزنامه ای بسازد خط فقر اند، حقیقت بنویسد و افشاگری کند حکم نیستی خود را امضاء کرده است.

بدینسان عجیب نیست که انقلاب ضد امپریالیستی و رهائی بخش ما، که با بر سر منافع انصارات گذارده و بر غارتگری شان پایان داده است، از آنسان تازیانه دریافت کند. دگرگون جلوه دادن خلعت انقلاب ما و نشر اکاذیب پیرامون آن، تازیانه انصارات فارتگر غرب بر پیکر انقلاب ماست. این تازیانه ها جل مسارابه درد می آورد، اما میدان شارتگری را دگر بار، هرگز به امپریالیسم نخواهد سپرد. آقایان خاطر جمع باشید!

میر یخت، زمانی که کشور ما را به عراده جنگی امپریالیسم میبست، هنگامیکه ایران را به زاندارم خلفهای منطقه بدل میکرد، دورانی که هر حرکت مردمی را با گلوله های آمریکایی و تانکهای بی و چیتن ساخت امپریالیسم آلمان فدرال و انگلیس پاسخ میدقت، زمانی که جوانان معصوم و مبارز و حق طلب مسارا به برکت تبلیغات شکنجه گران آمریکایی و اسرائیلی و بدست «آرژ» ها و «آرمان» ها نابود میکرد، تلاششان آن بود تا افکار عمومی را با تصاویر رنگین ترسنا و فرج و شرح شیزنده دارها و عیاشی های آنان سرگرم کنند. آنها تکام افکار عمومی غرب، ایران را کشور «ترسای سز چشم» و «فرج دانشجوی معماری» میشناخت، که گویا ناگهان مرغ بخت بر سر شان نشست و ملکه کشور افسانه ای هن ادویش شدند.

آن روز چنان بود، امروز نیز چنین است. وسائل ارتباط جمعی غرب، انقلاب توده های آگاه را، که ظالم ترین و دردنده ترین رژیم استبدادی قرن را بگور سپرد، انقلاب توده های «کوره» می خوانند، که گویا بر جری روحانیون «عشری» در کار بازگرداندن ایران به عقب هستند. مسور تلاش خیرگزارها، مطبوعات و رادیو - تلویزیون های غرب، جلب ترسجم برای محمدرضای سرگردان و خسانزاده او از یکسو و مسخ ماهیت انقلاب ایران از سوی دیگر است. آنها کشتار هفتاد هزار بیگناه را بدست شاه جلا د «طیعی» می دانند، اما بر تپس باران چند ده نفر از رجال و امرای خائن رژیم پیشین اشک می ریزند. آنها از شکنجه جوانان ما بدست ششده های عذاب نمی نویسند، اما بر «هلاکت کلف» مانند زندانیان دوران انقلاب دلمی سوزانند. آنها بر حرکت مردمی، بر دلاوری های اعجاب آمیز خلقی که مشوق روح قهرمانی و پایداری در همه خلقهاست، سر پوشی می گذارند، اما هر حرکت مذهوحانه شاه مخلوع و خسانزاده اش بدقت دنبال می کنند و بر صفحات روزنامه ها و تلویزیون های خود بازنتاب میکنند.

در این لحظات تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می تازد. افکار عمومی این کشورها، مطالبی سراسر پاکدب و جعل در صفحات روزنامه ها می خوانند و اخباری تحریف شده از رادیو ها و خبرگزاری های خود می شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پائین سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

در مطبوعات کشور

پیام رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره به امام خمینی

کمیل سوئنگ رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره به امام خمینی جهت اتمام حجت ارسال نموده است.

متن این پیام که از طرف سفارت جمهوری دمکراتیک خلق کره در تهران در اختیار روزنامه انقلاب اسلامی قرار گرفته است، بشرح زیر است:

حضرت آیت الله امام خمینی رهبر ملت ایران من از مبارزات عادلانه مردم ایران که تحت رهبری حضرت آیت الله امام خمینی، رهبر ملت ایران برای محکوم کردن دخالت و تیرنگ تجاوزکارانه آمریکا و دفاع از حق حاکمیت و حیثیت ملی انجام میدهند، حمایت کامل خود را ابراز میدارم.

من محاصره اقتصادی، تهدید و ارباب نظامی آنگار امپریالیسم آمریکا را علیه مردم ایران به عنوان رفتار جنگ طلبانه و فرور آمیز که بحق حاکمیت ملت ایران تجاوز میکند، محکوم میکنم.

مردم کره مداخله فیر مشروع و مانور تجاوزکار امپریالیسم آمریکا را نسبت به ایران بعنوان نه تنها حمله به مردم ایران، بلکه حمله به تمام مردم جهان که خواستار استقلال هستند، و مانور جنایت آمیز که صلح جهان را تهدید میکند قویا محکوم می کنند زیرا پیروزی انقلاب ایران که موجب شکست بزرگ آمریکا شده است، آمریکا برای بدست آوردن مقام قدیمی حاکم در ایران شریکانه تلاش سخت می کنند.

اقدامات ملت ایران بر علیه تیرنگ و توطئه و اعمال غیر منصفانه امپریالیسم آمریکا در مورد استرداد شاه سابق کاملا عادلانه می باشد. مبارزات شجاعانه مردم ایران به تمام ملل کشورهای دیگر که به طرف استقلال ضد امپریالیسم

مقدمه مراغه ای یا استناد سابق نیروی نماینده حزب جمهوری خلق مسلمان در مجلس خبرگان، مزدور آمریکا درمی آید و متاسفانه از دست دادگاه انقلاب میگریزد. اما آنچه که برای مردم بصورت سؤال باقی مانده است که چرا افشاگری های اساسی زودتر صورت نمیگیرد؟ پیش از او، نزه و متین و قتیرو از جنگال عدالت گریختند.

چرا باید اصولدار این انقلاب به تسانی چون مراغه ای ها فرصت داده شود که تاحدیك نماینده رده بایند و بلواهای آتجنانی پدید آورند؟ چرا نباید از همان ابتدا، گذشته تمام افرادی که بنحوی مصدر کاری هستند برای همگان افشاء شود؟ سیاست پشت پرده تنها امکان رشد نیروهای ضد انقلاب را تقویت میکند و بس.

چهارم آنست که بجای آنکه افکار عمومی این کشورها را بحقیقت انقلاب ما آگاه سازد، بذر تحمق و فریب و نفرت در اندیشه ها می افشاند.

تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه های امام خمینی متکسر است. اما وسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده آنست. تصویر روشن انقلاب ما در توده ها و نوشته ها و تظاهرات و اقدامات توده های مردم منکسر است، که به انقلاب پاروری بی چشمه دادند. اما وسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده ها بی اعتناست. با آنها کاری ندارد و سوسه خیزان در جستجوی یک ضد انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما انداخته او بیرون کند، زیر عدسی ذمه بین بگذارد. آنرا بزرگ و بزرگتر کند، از کلمات تلویزیونی بد گوید و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و در پی تور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقعیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار هر خاک می مایند، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک اباطیل و او تاپت کند که مثلا خواست استرداد شاه بهمار، برخلاف روح اسلام است، که باید بدین بردباری و عطف و پناهندگی کاری که مجله «اشپیکل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

وسائل ارتباط جمعی غرب هنگامی که مترسک دست نشاند، محمدرضای خائنی ثروت مردمی قتیرو حرمان کشیده راهی انحصارات چپاولگر اروپا و آمریکا

میر یخت، زمانی که کشور ما را به عراده جنگی امپریالیسم میبست، هنگامیکه ایران را به زاندارم خلفهای منطقه بدل میکرد، دورانی که هر حرکت مردمی را با گلوله های آمریکایی و تانکهای بی و چیتن ساخت امپریالیسم آلمان فدرال و انگلیس پاسخ میدقت، زمانی که جوانان معصوم و مبارز و حق طلب مسارا به برکت تبلیغات شکنجه گران آمریکایی و اسرائیلی و بدست «آرژ» ها و «آرمان» ها نابود میکرد، تلاششان آن بود تا افکار عمومی را با تصاویر رنگین ترسنا و فرج و شرح شیزنده دارها و عیاشی های آنان سرگرم کنند. آنها تکام افکار عمومی غرب، ایران را کشور «ترسای سز چشم» و «فرج دانشجوی معماری» میشناخت، که گویا ناگهان مرغ بخت بر سر شان نشست و ملکه کشور افسانه ای هن ادویش شدند.

آن روز چنان بود، امروز نیز چنین است. وسائل ارتباط جمعی غرب، انقلاب توده های آگاه را، که ظالم ترین و دردنده ترین رژیم استبدادی قرن را بگور سپرد، انقلاب توده های «کوره» می خوانند، که گویا بر جری روحانیون «عشری» در کار بازگرداندن ایران به عقب هستند. مسور تلاش خیرگزارها، مطبوعات و رادیو - تلویزیون های غرب، جلب ترسجم برای محمدرضای سرگردان و خسانزاده او از یکسو و مسخ ماهیت انقلاب ایران از سوی دیگر است. آنها کشتار هفتاد هزار بیگناه را بدست شاه جلا د «طیعی» می دانند، اما بر تپس باران چند ده نفر از رجال و امرای خائن رژیم پیشین اشک می ریزند. آنها از شکنجه جوانان ما بدست ششده های عذاب نمی نویسند، اما بر «هلاکت کلف» مانند زندانیان دوران انقلاب دلمی سوزانند. آنها بر حرکت مردمی، بر دلاوری های اعجاب آمیز خلقی که مشوق روح قهرمانی و پایداری در همه خلقهاست، سر پوشی می گذارند، اما هر حرکت مذهوحانه شاه مخلوع و خسانزاده اش بدقت دنبال می کنند و بر صفحات روزنامه ها و تلویزیون های خود بازنتاب میکنند.

در این لحظات تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می تازد. افکار عمومی این کشورها، مطالبی سراسر پاکدب و جعل در صفحات روزنامه ها می خوانند و اخباری تحریف شده از رادیو ها و خبرگزاری های خود می شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پائین سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه های امام خمینی متکسر است. اما وسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده آنست. تصویر روشن انقلاب ما در توده ها و نوشته ها و تظاهرات و اقدامات توده های مردم منکسر است، که به انقلاب پاروری بی چشمه دادند. اما وسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده ها بی اعتناست. با آنها کاری ندارد و سوسه خیزان در جستجوی یک ضد انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما انداخته او بیرون کند، زیر عدسی ذمه بین بگذارد. آنرا بزرگ و بزرگتر کند، از کلمات تلویزیونی بد گوید و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و در پی تور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقعیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار هر خاک می مایند، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک اباطیل و او تاپت کند که مثلا خواست استرداد شاه بهمار، برخلاف روح اسلام است، که باید بدین بردباری و عطف و پناهندگی کاری که مجله «اشپیکل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

هشدار پرسنل پایگاه یکم نیروی هوایی به سر سپردگان امپریالیسم

امریکا باشد عملی ضد انقلابی میدانم. ما پرسنل پایگاه یکم ضمن تأیید رهبری امام خمینی هرگونه حرکتی که باعث تضییع رهبری و انقلاب گردد محکوم نموده، و این هشدار است بتمام مزدوران و سرسپردگان وابسته که تا آخرین قطره خون خرداز رهبری و انقلاب دفاع خواهیم کرد. هر که برود رویان و عوامل وابسته به امپریالیسم، مستحکمتر باد هیوند امام ما است.

پرسنل پایگاه یکم نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران ملی نامه ای به کیهان اعمال را بستگان امپریالیسم و ساواک منحل را در حوادث تیرین محکوم کرده اند. در این نامه آمده است، ما پرسنل پایگاه یکم، حرکت ضد انقلابی و ضد مردمی انادی وابسته به امپریالیسم آمریکا و ساواک منحل را در حوادث تیرین بشدت محکوم کرده و ایجاد اختلال و دودستگی را در این مرحله از انقلاب که حساس ترین دوران حیاتی خود را می گذراند و باید تمام حملات بدشمن اصلی، امپریالیسم

مردم کره مداخله فیر مشروع و مانور تجاوزکار امپریالیسم آمریکا را نسبت به ایران بعنوان نه تنها حمله به مردم ایران، بلکه حمله به تمام مردم جهان که خواستار استقلال هستند، و مانور جنایت آمیز که صلح جهان را تهدید میکند قویا محکوم می کنند زیرا پیروزی انقلاب ایران که موجب شکست بزرگ آمریکا شده است، آمریکا برای بدست آوردن مقام قدیمی حاکم در ایران شریکانه تلاش سخت می کنند.

اقدامات ملت ایران بر علیه تیرنگ و توطئه و اعمال غیر منصفانه امپریالیسم آمریکا در مورد استرداد شاه سابق کاملا عادلانه می باشد. مبارزات شجاعانه مردم ایران به تمام ملل کشورهای دیگر که به طرف استقلال ضد امپریالیسم

مقدمه مراغه ای یا استناد سابق نیروی نماینده حزب جمهوری خلق مسلمان در مجلس خبرگان، مزدور آمریکا درمی آید و متاسفانه از دست دادگاه انقلاب میگریزد. اما آنچه که برای مردم بصورت سؤال باقی مانده است که چرا افشاگری های اساسی زودتر صورت نمیگیرد؟ پیش از او، نزه و متین و قتیرو از جنگال عدالت گریختند.

چهارم آنست که بجای آنکه افکار عمومی این کشورها را بحقیقت انقلاب ما آگاه سازد، بذر تحمق و فریب و نفرت در اندیشه ها می افشاند.

تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه های امام خمینی متکسر است. اما وسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده آنست. تصویر روشن انقلاب ما در توده ها و نوشته ها و تظاهرات و اقدامات توده های مردم منکسر است، که به انقلاب پاروری بی چشمه دادند. اما وسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده ها بی اعتناست. با آنها کاری ندارد و سوسه خیزان در جستجوی یک ضد انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما انداخته او بیرون کند، زیر عدسی ذمه بین بگذارد. آنرا بزرگ و بزرگتر کند، از کلمات تلویزیونی بد گوید و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و در پی تور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقعیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار هر خاک می مایند، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک اباطیل و او تاپت کند که مثلا خواست استرداد شاه بهمار، برخلاف روح اسلام است، که باید بدین بردباری و عطف و پناهندگی کاری که مجله «اشپیکل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

وسائل ارتباط جمعی غرب هنگامی که مترسک دست نشاند، محمدرضای خائنی ثروت مردمی قتیرو حرمان کشیده راهی انحصارات چپاولگر اروپا و آمریکا

میر یخت، زمانی که کشور ما را به عراده جنگی امپریالیسم میبست، هنگامیکه ایران را به زاندارم خلفهای منطقه بدل میکرد، دورانی که هر حرکت مردمی را با گلوله های آمریکایی و تانکهای بی و چیتن ساخت امپریالیسم آلمان فدرال و انگلیس پاسخ میدقت، زمانی که جوانان معصوم و مبارز و حق طلب مسارا به برکت تبلیغات شکنجه گران آمریکایی و اسرائیلی و بدست «آرژ» ها و «آرمان» ها نابود میکرد، تلاششان آن بود تا افکار عمومی را با تصاویر رنگین ترسنا و فرج و شرح شیزنده دارها و عیاشی های آنان سرگرم کنند. آنها تکام افکار عمومی غرب، ایران را کشور «ترسای سز چشم» و «فرج دانشجوی معماری» میشناخت، که گویا ناگهان مرغ بخت بر سر شان نشست و ملکه کشور افسانه ای هن ادویش شدند.

آن روز چنان بود، امروز نیز چنین است. وسائل ارتباط جمعی غرب، انقلاب توده های آگاه را، که ظالم ترین و دردنده ترین رژیم استبدادی قرن را بگور سپرد، انقلاب توده های «کوره» می خوانند، که گویا بر جری روحانیون «عشری» در کار بازگرداندن ایران به عقب هستند. مسور تلاش خیرگزارها، مطبوعات و رادیو - تلویزیون های غرب، جلب ترسجم برای محمدرضای سرگردان و خسانزاده او از یکسو و مسخ ماهیت انقلاب ایران از سوی دیگر است. آنها کشتار هفتاد هزار بیگناه را بدست شاه جلا د «طیعی» می دانند، اما بر تپس باران چند ده نفر از رجال و امرای خائن رژیم پیشین اشک می ریزند. آنها از شکنجه جوانان ما بدست ششده های عذاب نمی نویسند، اما بر «هلاکت کلف» مانند زندانیان دوران انقلاب دلمی سوزانند. آنها بر حرکت مردمی، بر دلاوری های اعجاب آمیز خلقی که مشوق روح قهرمانی و پایداری در همه خلقهاست، سر پوشی می گذارند، اما هر حرکت مذهوحانه شاه مخلوع و خسانزاده اش بدقت دنبال می کنند و بر صفحات روزنامه ها و تلویزیون های خود بازنتاب میکنند.

در این لحظات تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می تازد. افکار عمومی این کشورها، مطالبی سراسر پاکدب و جعل در صفحات روزنامه ها می خوانند و اخباری تحریف شده از رادیو ها و خبرگزاری های خود می شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پائین سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

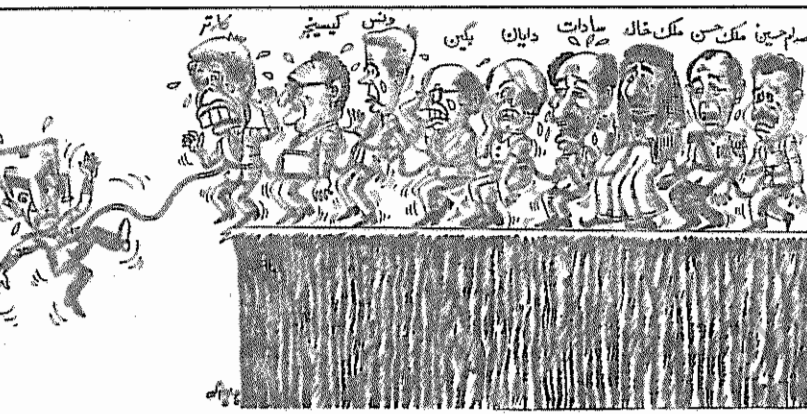
تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه های امام خمینی متکسر است. اما وسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده آنست. تصویر روشن انقلاب ما در توده ها و نوشته ها و تظاهرات و اقدامات توده های مردم منکسر است، که به انقلاب پاروری بی چشمه دادند. اما وسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده ها بی اعتناست. با آنها کاری ندارد و سوسه خیزان در جستجوی یک ضد انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما انداخته او بیرون کند، زیر عدسی ذمه بین بگذارد. آنرا بزرگ و بزرگتر کند، از کلمات تلویزیونی بد گوید و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و در پی تور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقعیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار هر خاک می مایند، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک اباطیل و او تاپت کند که مثلا خواست استرداد شاه بهمار، برخلاف روح اسلام است، که باید بدین بردباری و عطف و پناهندگی کاری که مجله «اشپیکل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

وسائل ارتباط جمعی غرب هنگامی که مترسک دست نشاند، محمدرضای خائنی ثروت مردمی قتیرو حرمان کشیده راهی انحصارات چپاولگر اروپا و آمریکا

میر یخت، زمانی که کشور ما را به عراده جنگی امپریالیسم میبست، هنگامیکه ایران را به زاندارم خلفهای منطقه بدل میکرد، دورانی که هر حرکت مردمی را با گلوله های آمریکایی و تانکهای بی و چیتن ساخت امپریالیسم آلمان فدرال و انگلیس پاسخ میدقت، زمانی که جوانان معصوم و مبارز و حق طلب مسارا به برکت تبلیغات شکنجه گران آمریکایی و اسرائیلی و بدست «آرژ» ها و «آرمان» ها نابود میکرد، تلاششان آن بود تا افکار عمومی را با تصاویر رنگین ترسنا و فرج و شرح شیزنده دارها و عیاشی های آنان سرگرم کنند. آنها تکام افکار عمومی غرب، ایران را کشور «ترسای سز چشم» و «فرج دانشجوی معماری» میشناخت، که گویا ناگهان مرغ بخت بر سر شان نشست و ملکه کشور افسانه ای هن ادویش شدند.

آن روز چنان بود، امروز نیز چنین است. وسائل ارتباط جمعی غرب، انقلاب توده های آگاه را، که ظالم ترین و دردنده ترین رژیم استبدادی قرن را بگور سپرد، انقلاب توده های «کوره» می خوانند، که گویا بر جری روحانیون «عشری» در کار بازگرداندن ایران به عقب هستند. مسور تلاش خیرگزارها، مطبوعات و رادیو - تلویزیون های غرب، جلب ترسجم برای محمدرضای سرگردان و خسانزاده او از یکسو و مسخ ماهیت انقلاب ایران از سوی دیگر است. آنها کشتار هفتاد هزار بیگناه را بدست شاه جلا د «طیعی» می دانند، اما بر تپس باران چند ده نفر از رجال و امرای خائن رژیم پیشین اشک می ریزند. آنها از شکنجه جوانان ما بدست ششده های عذاب نمی نویسند، اما بر «هلاکت کلف» مانند زندانیان دوران انقلاب دلمی سوزانند. آنها بر حرکت مردمی، بر دلاوری های اعجاب آمیز خلقی که مشوق روح قهرمانی و پایداری در همه خلقهاست، سر پوشی می گذارند، اما هر حرکت مذهوحانه شاه مخلوع و خسانزاده اش بدقت دنبال می کنند و بر صفحات روزنامه ها و تلویزیون های خود بازنتاب میکنند.

در این لحظات تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می تازد. افکار عمومی این کشورها، مطالبی سراسر پاکدب و جعل در صفحات روزنامه ها می خوانند و اخباری تحریف شده از رادیو ها و خبرگزاری های خود می شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پائین سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.



کیهان - ۲۰ آذر ۱۳۵۸

باید کارنامه سیاسی تمام افرادی که به نحوی در هر گوشه مملکت نقش دارند، روشن شود

چهارم آنست که بجای آنکه افکار عمومی این کشورها را بحقیقت انقلاب ما آگاه سازد، بذر تحمق و فریب و نفرت در اندیشه ها می افشاند.

تصویر روشن انقلاب ما در مصاحبه های امام خمینی متکسر است. اما وسائل ارتباط جمعی غرب را با این مصاحبه ها کاری نیست، و اگر هست، تحریف شده آنست. تصویر روشن انقلاب ما در توده ها و نوشته ها و تظاهرات و اقدامات توده های مردم منکسر است، که به انقلاب پاروری بی چشمه دادند. اما وسائل ارتباط جمعی غرب به خواست توده ها بی اعتناست. با آنها کاری ندارد و سوسه خیزان در جستجوی یک ضد انقلاب، یک روشنفکر «ناراضی»، یک باصلاح مارکسیست است، تا کلامی در رهجو انقلاب ما انداخته او بیرون کند، زیر عدسی ذمه بین بگذارد. آنرا بزرگ و بزرگتر کند، از کلمات تلویزیونی بد گوید و این کلام نامربوط را با هزاران ترفند و در پی تور و رنگ، در چشم و گوش بیننده بی خبر بنشاند. وسائل ارتباط جمعی غرب، پشت کرده به واقعیت انقلاب ما، در کار آنست که یک مسلمان نما را در گوشه و کنار هر خاک می مایند، از او علیه جمهوری اسلامی «فتوا» گیرد و به کمک اباطیل و او تاپت کند که مثلا خواست استرداد شاه بهمار، برخلاف روح اسلام است، که باید بدین بردباری و عطف و پناهندگی کاری که مجله «اشپیکل» منتشره در آلمان غربی کرده و از مفتی مصر، که اسلام را در خدمت خائنی چون سادات و امپریالیسم حامی او نهاده، درباره انقلاب ما و امام خمینی قضاوت طلبیده است.

وسائل ارتباط جمعی غرب هنگامی که مترسک دست نشاند، محمدرضای خائنی ثروت مردمی قتیرو حرمان کشیده راهی انحصارات چپاولگر اروپا و آمریکا

میر یخت، زمانی که کشور ما را به عراده جنگی امپریالیسم میبست، هنگامیکه ایران را به زاندارم خلفهای منطقه بدل میکرد، دورانی که هر حرکت مردمی را با گلوله های آمریکایی و تانکهای بی و چیتن ساخت امپریالیسم آلمان فدرال و انگلیس پاسخ میدقت، زمانی که جوانان معصوم و مبارز و حق طلب مسارا به برکت تبلیغات شکنجه گران آمریکایی و اسرائیلی و بدست «آرژ» ها و «آرمان» ها نابود میکرد، تلاششان آن بود تا افکار عمومی را با تصاویر رنگین ترسنا و فرج و شرح شیزنده دارها و عیاشی های آنان سرگرم کنند. آنها تکام افکار عمومی غرب، ایران را کشور «ترسای سز چشم» و «فرج دانشجوی معماری» میشناخت، که گویا ناگهان مرغ بخت بر سر شان نشست و ملکه کشور افسانه ای هن ادویش شدند.

آن روز چنان بود، امروز نیز چنین است. وسائل ارتباط جمعی غرب، انقلاب توده های آگاه را، که ظالم ترین و دردنده ترین رژیم استبدادی قرن را بگور سپرد، انقلاب توده های «کوره» می خوانند، که گویا بر جری روحانیون «عشری» در کار بازگرداندن ایران به عقب هستند. مسور تلاش خیرگزارها، مطبوعات و رادیو - تلویزیون های غرب، جلب ترسجم برای محمدرضای سرگردان و خسانزاده او از یکسو و مسخ ماهیت انقلاب ایران از سوی دیگر است. آنها کشتار هفتاد هزار بیگناه را بدست شاه جلا د «طیعی» می دانند، اما بر تپس باران چند ده نفر از رجال و امرای خائن رژیم پیشین اشک می ریزند. آنها از شکنجه جوانان ما بدست ششده های عذاب نمی نویسند، اما بر «هلاکت کلف» مانند زندانیان دوران انقلاب دلمی سوزانند. آنها بر حرکت مردمی، بر دلاوری های اعجاب آمیز خلقی که مشوق روح قهرمانی و پایداری در همه خلقهاست، سر پوشی می گذارند، اما هر حرکت مذهوحانه شاه مخلوع و خسانزاده اش بدقت دنبال می کنند و بر صفحات روزنامه ها و تلویزیون های خود بازنتاب میکنند.

در این لحظات تحریف و جعل و تزویر، بیرحمانه بر انقلاب ما می تازد. افکار عمومی این کشورها، مطالبی سراسر پاکدب و جعل در صفحات روزنامه ها می خوانند و اخباری تحریف شده از رادیو ها و خبرگزاری های خود می شنوند. در این ظلمات گمراه کننده، جوی گند آلود علیه انقلاب مردمی و پائین سرشت ماسکین گرفته، تا خود مورد بهره برداری آفرینندگان آن قرار گیرد.

در کارخانه رنگ سازی رنگین

کارخانه رنگ سازی رنگین در ۶ کیلومتری جاده مخصوص کرج قرار دارد. (تأسیس سال ۱۳۴۴)

چنانکه از نام کارخانه پیداست، محصولات این کارخانه انواع رنگهای صنعتی، تزئینی و... است، که تهیه مواد اولیه آن با شرکت های هلندی است و از بدست انقلاب کاش در ادامه ارسال مواد وجود نداشته است.

سهاجتاران این کارخانه ایرانی هستند و در مجموع این کارخانه ۳ کارخانه یزدی، فیلکو، فیلود و پلاستی دان را در اختیار دارند.

تعداد کارکنان این کارخانه حدود ۳۰۰ نفر است، که ۲۰۰ نفر آن کارگرند.

قسمتهای مختلف کارخانه عبارتست از انبار برای مواد رنگین، قسمت مقدماتی، تزئینی و... است، که تهیه مواد اولیه آن با شرکت های هلندی است و از بدست انقلاب کاش در ادامه ارسال مواد وجود نداشته است.

در این کارخانه بیشتر با مواد شیمیایی سروکار دارد، از قبیل دزین و تیش که در محیط پوی نامطبوع آن همیشه است. هم چنین گردوغبار حاصله از اجزای پودر دزین در محیط بمقدار زیاد پراکنده است، بخصوص در قسمت مقدماتی. از این لحاظ کارگران باید مجهز بوسایل بهداشتی مثلا ماسک باشند، تا از عبور آن به ریه خودداری شود. کارگران از قد قد این وسائل شکایت دارند.

در این کارخانه حداقل حقوق کارگران رعایت میگرد. کارخانه دارای سلف سرویس است. شرکت تعاونی نیز وجود دارد.

در این کارخانه، در بعضی از قسمتها، احتیاج به کفش ایمنی است که به کارگران داده نمیشود. همچنین هر ۶ ماه یکدفعه لباس داده می شود و کارخانه بملت نداشتن قسمت شستشوی لباس، شستن آنها را به خود کارگران واگذار کرده است. معمولا لباسها کثیف اند. در این کارخانه بملت آلودگی لباسها بمواد سمی و کثیف، شستن لباسها مشر است. کارخانه حسام دارد، ولی برای همه کارگران قابل استفاده نیست.

بعد از انقلاب بملت شرایط مساعدی که برای بالا رفتن آگاهی ستی و سیاسی کارگران وجود داشته، کارگران کارخانه رنگین

اخبار کارگری

اطلاعیه زیر از جانب سندیکای مستقل کارگران خطوط لوله و مخاربات. تأسیساتی به دفتر مردم رسیده است:

هم وطنان قهرمان

سندیکای کارگران خطوط لوله و مخاربات در این برهه تاریخی حساس که به رهبری امام خمینی، قاعداعظم، که می رود ریشه رنگین و غارتگری امپریالیسم جهان نتواند از کارگران و دیگر بخشکانند، وظیفه خود می داند که ندای حق طلبانه کارگران و دیگر زحمتکشان شرکت منحل فلوردا بکوشی همیهان ویژه مسئولین امر رسانده و از معترق شدن متخصصین زنده و کارای شرکت فوق که هر یک سرمایه ارزنده ای برای این مردود بوم هستند، جلوگیری و از نیروی آنان استفاده بعمل آید.

نامه زیر به دفتر مردم رسیده است:

شکایت یک کارگر بیکار

«من جوان کارگری هستم که جز دویسازوی کار سرمایه ای ندارم. قبل از انقلاب در شرکت کانال کشی ساپ، واقع در قزوین و سیلو، واقع در ۱ کیلومتری قم، کار می کردم. یکبار پس از اتمام کار و بار دیگر در جریان تظاهرات قبل از انقلاب مرا از کار اخراج کردند.

هفت ماه پیش به استخدام شرکت آبکاتان درآمدم. اما پس از ۶ ماه شرکت من بوز، در تاریخ ۲۶ آبان ماه جاری، مرا همراه با عده ای دیگر از کارگران قیمت یمانکاری از کار اخراج کرد. در درموقع اخراج، مبلغی، فقط معادل ۵ روز دستمزد بمن پرداخت کردند، تا در این فاصله کوتاه برای خود کاری دستوپا کنم. اکنون قریب یکماه است که بیکارم. به وزارت کار شکایت کرده ام، که هنوز جوابی بمن نداده اند. منکه متکفل بخارج پدر و مادر پیر خود، عسر و فرزندم هستم، نمی دانم بادت خالی چگونه

کالی آمریکائی نخریم!

فرد فرد ما مصرف کالاهای آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را ارج نهم و کالی آمریکا را بر سرش بکوبیم. با قطع ریشه تسلط امپریالیسم بر کردگی امپریالیسم آمریکا از همین حالا، سرانجام دوران محرومیت ممت پایان خواهد یافت. با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید.

خود را برای يك دوران مسرومیت آماده کنیم و جوامع انقلابی خویش را با روح قناعت، فداکاری و پایداری در برابر امپریالیسم حصار فته از آمریکا

پیام جنبش مسلمانان مبارز به مردم آذربایجان:

امپریالیسم آمریکا به لیبرالیسم سازشکار متکی بود

جنبش مسلمانان مبارز طی پیامی خطاب به مردم قهرمان و مبارز آذربایجان، با تشریح انقلاب خونین خلق مسلمان ایران بر رهبری قاطع و آتشی ناپذیر امام خمینی، خاطر نشان کرده است، انقلاب پس از غلبه بر استبداد سلطنتی، زیر فشار گرایش های شدید ارتجاع لیبرالیستی قرار گرفت و حرکت انقلابی آن کند گردید و در مبارزه ضد امپریالیستی آن وقته ای حاصل گشت، محافظه کاران سازشکار

طلبی ارگانها و عناصر مشول اجازه نداد تا مبارزه علیه شاه بلافاصله بمبارزه علیه امپریالیسم در تمامی ابعاد آن ارتقاء و تمام یابد و همین وقته و ملاحظه کاری به مزدوران رژیم، ساواکی ها و نوکران و جیره خواران امپریالیسم آمریکا و فرست طلبان و همه کسانی که در گرما گرم مبارزه خونین خلق، بنام طرفداری از قانسون اساسی و آزادی های دمکراتیک از پشت به مبارزه خنجر میزدند و چوب لای چرخ ارابه انقلاب می گذاشتند و آب به آسیاب دشمن خود را می ریختند، اجازه داد تا مواضع خود را مستحکم کرده و در

ضدانقلاب از هیچ تلاشی روی گردان نیست

چند نفر ناشناس امریکائی در تظاهرات روز عاشورای اهالی لواسان بزرگ شدند.

دهستان لواسان بزرگ در چهل کیلومتری شمال شرقی تهران واقع است. پیش از دو روز نفر جمعیت دارد. روز عاشورا در این دهستان حادثه‌ای روی داد که هم شهیدنی و خواندنی است و هم قابل بررسی و توجه برای آنها که با اعمال و کتفه‌های خود میدانند بر ایضاً انقلابیون بازمیگردند. روز عاشورا از صبح زود مردم لواسان بزرگ برای برپائی یک تظاهرات ضد امریکائی و عزاداری خود را آماده کرده بودند. اما ناگهان سروکله عده‌ای غریبه پیدا شد. آنها مدعی بودند که در حزب جمهوری اسلامی عضویت دارند و با این بهانه پس از مدتی بحث و گفتگو با ریش سفیدهای محل رهبری تظاهرات و عزاداری را بهمه گرفتند.

پس از پایان همه بحثها، تظاهرات و عزاداری شروع شد. اما هر چه مردم سرگردانند بلکه شاره‌های ضد امریکائی داده شود، بی‌فایده بود و حتی چند بار که چند نفری علیه امریکائی شهادت دادند، آقایان از شهر آمدند مخالفت کردند و با کمال تمجب مدعی شدند که این شماره باعث نفاق می‌شود. پس از مدتی همه شرکت کنندگان در تظاهرات و عزاداری متوجه شدند که آقایان بقول معروف مثل اینکه بالانشان کج است و هدف و منظور خاصی را دنبال نمیکنند، لذا بنای اعتراض و دستگیری را گذاشتند و خطاب به آنها گفتند: اگر شعاع سرک بر امریکائی باعث نفاق می‌شود، چرا جلوی آنرا در مقابل سفارت امریکائی نمیگیرند و تازم رهبر انقلاب در هر پیام و نطق و بیانیه خود، همواره مردم را تشویق به مبارزه با امریکائی بعنوان شیطان بزرگ میکند؟

آقایان از شهر آمده کلابد فکر میکنند در دستاها و شهرهای کوچک از فقر ضد امریکائی خبری نیست و لابد به سیاست‌های گذشته مردم در ستاسشان بگریبان خودشان است و از ماجراها اطلاع ندارند، مقاومت در برابر مردم را رها کردند و تسلیم خواستهای آنها شدند و وقتی جوانهای دهستان با شمارمردم بر امریکائی و آمریکا تنگ به نیرنگ تو - خون شهیدان ما میچکد از چنگ توه و دمرگ برسمفشدن - کارت رسادات و بکین رهبری تظاهرات و عزاداری را بهمه گرفتند، برای مدتی کوتاه در میان جمعیت شمارهای ضد امریکائی را تکرار کردند و بعد از آنهم غیبشان زد.

ملاک عینی شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران چیست؟

چند روز پیش خبری کز اربها اطلاع دادند که در جلسه‌ای در کویت، حکام طرح پیشنهادی و لیبی در پشتیبانی از انقلاب ایران، آقای زکی یمانی، وزیر نفت عربستان سعودی، ظاهراً به بهانه اینکه نمخواهند وارد مسائل سیاسی شود، جلسه را ترک کرده است.

موضیقه دولت سعودی در سیاست خود بطور کلی، و در سیاست نفتی خود بویژه اتخاذ کرده، بر همگان روشن است، اساس این سیاست را اتکاء به امریالیسم آمریکا و حفظ منافع غارتگرانه آن تشکیل میدهد، نه اتکاء بر مردم کشور و دفاع از منافع

این روزها پیرامون دوستان و دشمنان، پشتیبانان و مخالفان انقلاب مردم گفتگو نیست بموقع و ضرور. چون انقلاب مردم ایران در جهان ماروی داده، دوستانی و دشمنانی و مخالفانی داشته و دارد. اما برای تشخیص دوست از دشمن، پشتیبان از مخالف، معیار لازم است.

مادی و معنوی آنها. در این نمونه بارز با کمال وضوح می بینیم که وزیر عربستان سعودی که در گفتار نسبت به انقلاب اسلامی ایران اظهار ارادت هم کرده بود، در کردار، بخاطر عقیم گذاشتن پیشنهادی و لیبی و تأمین منافع غارتگرانه امریالیسم آمریکا جلسه را ترک میکند. یعنی در حقیقت وارد مسائل سیاسی می‌شود، اما بشرط منافع مستضعفان مسلمان عربستان و انقلاب اسلامی ایران، و به نفع طبقات حاکمه عربستان و امریالیسم جهان غارتگر است. اینجاست که باید دیگر منافعی محدود بر منافع وسیع توده‌های

زحمتکش و مستضعف توفیق می‌یابد و نه فقط سیاست، بلکه اصولی ترین مسائل حقوق، اخلاق، فرهنگ، دیانت، ملیت و ایدئولوژی را بکلی تحت الشعاع قرار می‌دهد، این است آن واقعیت تاریخی که باید آنرا درک کرد.

باتحقق خواست... بقیه از صفحه ۱ همه نیروهای راستین انقلاب بیکارت متذکر شده‌اند که در شرایط فعلی که انقلاب شکوهند ما با غدارترین دشمن خود امریالیسم آمریکا (هم در مقیاس جهانی و هم در داخل کشور) روبرو است، باید از هر گونه تلاشی که خواهناخواه موجب تقسیم مواضع انقلاب میشود، خودداری کرد. به ویژه هنگامیکه رهبر انقلاب با قاطعیت هر چه قاطعتر از مواضع خلقی دفاع کرده، خواستهای مستضعفان کشور را خواستهای خودشان دانسته‌اند. در پیام تاریخی امام پیرامون مسئله کردستان تأکید شد که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد است که حق اداره امور داخلی و محلی را بیه خلقی‌های کشور بدهد. زیرا تردیدی نیست که تأمین حق اداره امور داخلی و محلی برای همه خلقی‌های ایران شام و وحدت این خلقها، و این وحدت ضامن استقلال و تمامیت ارضی ایران است. امام درسرخان اخیر خود یک حقیقت دیگر را بیان کردند، آنجا که گفتند: «تا حالا این مملکت مال شما نبود، همه چیز در دست دیگران بود».

چه دستهایی در حل مسأله کوردستان اخلال میکنند؟

انتشار پیام تاریخی رهبر انقلاب، امام خمینی، در مورد کوردستان، که رهنمودی برای همه نیروهای راستین انقلاب جهت حل سیاسی مسأله کوردستان بود، علیرغم همه تلاش امریالیسم آمریکا و سازماندهان رژیم پهلوی، بموقع از گسترش منازعات بر سر ادکشی جلوگیری کرد. هیئت ویژه کوردستان بر اساس این رهنمود مذاکرات را آغاز کرد و با نتیجه تحولی در این مسئله فوئنج حاصل شد، که همه نیروهای راستین انقلاب را خرسند و ضد انقلاب را ناگام و آشفتہ ساخت.

ولی با توجه به دستهایی که همچنان در این مذاکرات بمنظور عقیم ساختن آن اخلال میکنند، در آستانه همه پرسش قانون اساسی اطلاعیه‌ای از جانب دفتر امام خطاب به خلق کرد منتشر شد که در آن، با اشاره به موفقیت حساس کشور تأکید گردید:

«شما مطمئن باشید که خواستهای شما از جمله خواستهای قومی و ملی، همچون خواستهای سایر قشرهای کشور مورد توجه است»

این اطلاعیه تصریح مجدد پیام امام است که در آن موظف و متعهد به تأمین حقوق ملی خلقهای ایران شده است.

دست در همین موقع، که نیروهای درگیر سعی در اخلال در مسأله کوردستان دارند، با اصطلاح جنشی بنام «جنش جوانان و دانشجویان انقلابی ایران» بمعنای واقعی کلمه ناگهان سبزی می‌شود و در

درد به کارگران گمرک جلفا

نمونه در خشان هشیاری طبقه کارگر

بار توجه دولت را به این نکته اساس جلب کنیم که شکیبایی کارگران هم حدود مرزی دارد. نمیتوان از این طبقه مردم برای ابد توقع گذشت، بس دهباری و فداکاری داشت، اما کامی در جهت اجرای خواستهای آنان بود نداشت. در همین مورد مشخص، علت عدم توجه دولت به خواستهای کارگران برای ما مفهومی نیست. دولت میتواند به تبعیت از سیاست شورای انقلاب در مورد ملی کردن صنایع و موسسات بزرگ، «دومسه انداز» های عمومی را، که با سرمایه‌های غلام‌خا و لقایان و بانگها و بیمه‌های غارتگر خصوصی تشکیل شده، در دست گیرد. دولت بدینوسیله هم به خواست کارگران پاسخ مثبت گفته است و هم از کارکنانی و توطئه کارفرمایان ضدانقلاب در شرب زدن به اقتصاد کشور جلوگیری کرده است.

ما هزاران بار به دولت هشدار داده‌ایم و بسا زهم بدون خستگی هشدار میدهم که توجه فوری به خواستهای منطقی طبقه کارگر که شریسان اقتصاد کشور در دست اوست، از اهم وظایف دولت انقلاب است. درست در همین جاست که باید حد اعلا هشیاری را داشت و این زمینه مناسب بذرافشانی ضد انقلاب را از او گرفت. بسیا از خواستهای کارگران در همین شرایط و با وجود امکانات نه چندان فراوان، قابل اجراء است و میتوان بدان پاسخ مثبت داد و بایند پاسخ مثبت داد. اگر ضدانقلاب موفق شود در زمینه اقتصادی خواستهای و نیازمندیهای ضروری مردم، مردم را به انقلاب و توانائیهای آن بی‌باور کند، دود آن به چشم همه خواهد رفت.

این شخص از عناصر شناخته شده رژیم سابق است، که در آن زمان از هر وسیله‌ای برای تحمیل دانشجویان و جلوگیری از مبارزه و فعالیتشان استفاده میکرد.

از تکیه کلامهای او هر چه بکار برد، که دانشجویان مبارز را بدان متهم میکرد؛ دودوران اوتداد کثیری از دانشجویان روانه راندانها شدند؟

هشدار مکرر و بموقع حزب توده ایران به طبقه کارگر درباره ضرورت عدم توسل کارگران به حربه اعتصاب، تمسک و کم کاری در شرایط حساس کنونی، که در گریز و مبارزه با هارتترین امریالیسم جهانی، یعنی امریالیسم آمریکا هستیم، بتدریج میان افکار آگاه کارگران راه باز میکند و طبقه کارگر، علیرغم مشکلات واقعی که سواره کار زندگی او قرار دارد و ما بخوبی از آن واقفیم، میکوشد دندان برجگر گدارد و برای قبولاندن خواستهای خود بمقامات مسئول، حتی الامکان از این حربه استفاده نکند و برای مبارزه در راه تحقق خواستهای خود شوه‌ها و راههای دیگری را برگزیند. نمونه روشن این هشیاری را در کارگران گمرک جلفا می بینیم. جریان بدینطور است:

در دوران طاغوت، چهارصد نفر کارگران گمرک جلفا را بزور عوامل ساواک بشرکتی خصوصی بنام کنسرسیوم ایران کارگاه، انتقال میدهند. کارگران که به علت انتقال از بهش دولتی بشرکتی خصوصی، از مزایای بیمه درمانی و مستوری بازنشستگی محروم شده بودند، از این امر بدت ناراضی شدند و پیوسته خواستار بازگشت بکار اولیه خود بودند.

مسئله پیش، این شرکت بکمک سرمایه‌های هنگت با نکها و بیمه‌ها و افراد غارتگری چون غلام‌خا پهلوی و لقایان، جای خود را به موسسه انبارهای عمومی ایران داد. کارگران از ادامه کار در این شرکت نیز که در استشاری بهره‌کشی تفاوتی با سابق خود نداشت، شدت ناراضی بودند و بر سرخواست قبلی خود همچنان با فشاری میکردند. اما این بار هم ساواک با توسل به تهدید و شکنجه آنان را وادار بادامه کارکرد و فزون بر اینها، ۶۰۰ کارگر دیگر هم از بازار آزاد استخدام نمود.

استخدام امه یافت و شکایت کارگران بجای نرسید. اکنون که انقلاب ایران به پیروزی رسیده است، کارگران مجدداً خواست منطقی و عادلانه خود را به ترتیب زیر مطرح ساخته‌اند:

آیا راست است؟

که رئیس سابق دانشگاه علم و صنعت، پس از برکناری، در دانشگاه شیراز به سمت استادی مشغول کار شده است؟